

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شورای امنیت و حقوق نرم از قاعده‌گرایی تا هنجارسازی



نگارنده
رسول رضایی آدریانی
با مقدمه
دکتر رضا موسی‌زاده

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	رضایی آدریانی، رسول، ۱۳۶۹-
عنوان و نام پدیدآور	شورای امنیت و حقوق نرم از قاعده‌گرایی تا هنجارسازی / نگارنده رسول رضایی آدریانی؛ با مقدمه رضا موسی‌زاده
مشخصات نشر	تهران: چتر دانش، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۱۸۱ص؛ ۱۴×۲۱س.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۳۷۸-۷
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا	
یادداشت	کتابنامه: ص. ۱۵۶.
موضوع	حقوق نرم
موضوع	Soft law
موضوع	سازمان ملل متحد. شورای امنیت -- قطعنامه‌ها
موضوع	United Nations. Security Council -- Resolutions
موضوع	حقوق بین‌الملل
موضوع	International law
موضوع	حقوق نرم -- ایران
موضوع	Soft law -- Iran
موضوع	حقوق بین‌الملل -- ایران
موضوع	International law -- Iran
شناسه افزوده	موسی‌زاده، رضا، ۱۳۳۹-، مقدمه‌نویس
رده بندی کنگره	K۲۸۰
رده بندی دیویی	۳۴۰
شماره کتابشناسی ملی	۵۹۷۰۰۴۵

نام کتاب	شورای امنیت و حقوق نرم از قاعده‌گرایی تا هنجارسازی
ناشر	چتر دانش
نگارنده	رسول رضایی آدریانی
نوبت و سال چاپ	اول - ۱۳۹۸
شمارگان	۱۰۰۰
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۳۷۸-۷
قیمت	۹۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منبری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتردانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست

مقدمه	۹
پیشگفتار	۱۵
فصل اول: پدیدارشناسی حقوق نرم	۲۱
گفتار اول: مفهوم حقوق نرم و روند شکل‌گیری آن در حقوق بین‌الملل.....	۲۳
۱- تحول مفهوم رضایت در حقوق بین‌الملل، رضایت به الزامات سیستماتیک.....	۲۳
۲- تعاریف نظری حقوق نرم.....	۳۱
۳- جانمایی حقوق نرم در منابع حقوق بین‌الملل.....	۳۵
۴- تعامل حقوق نرم با حقوق سخت (دوگانه‌ای از تکامل و تراحم).....	۳۷
گفتار دوم: عوامل مؤثر در گزینش حقوق نرم.....	۴۰
۱- حقوق نرم به‌عنوان یک ابزار هماهنگ‌کننده بین‌المللی.....	۴۱
۲- نظریه اجتناب از نقض احتمالی قوانین الزام‌آور.....	۴۲
۳- به رأی‌گذاری مطلوبیت قوانین (نظریه تفویض).....	۴۳
۴- مشترکات بنیادین حقوق بین‌الملل.....	۴۵
۵- حقوق نرم به وجود آورنده ابهام سازنده.....	۴۶

- ۶- حقوق نرم و هنجارسازی بین‌المللی؛ بی‌ثباتی یا استحکام حقوق بین‌الملل..... ۴۷
- گفتار سوم: تفاوت مفهومی الزام از پایبندی در حقوق نرم ۵۰
- ۱- تحلیل سازوکار اجرایی موافقت‌نامهٔ پاریس ۵۲
- ۲- مکانیسم پایبندی و اجراء در توافق پاریس ۵۵
- گفتار چهارم: ضمانت اجرای حقوق نرم در نظام مسئولیت بین‌المللی ۶۲

فصل دوم: حقوق نرم و شورای امنیت ۷۰

- گفتار اول: تنوع اراده شورای امنیت در تأمین حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ۷۱
- ۱- ماهیت قطعنامه‌های شورای امنیت ۷۱
- ۲- دامنهٔ شمول مواد ۲۴ و ۲۵ منشور و بررسی الزام یا غیرالزام‌آوری قطعنامه‌های شورای امنیت ۷۴
- ۳- عبارت‌پردازی قطعنامه‌های شورای امنیت (از حقوق نرم تا نرمی در حقوق بین‌الملل) ۸۲
- ۴- بررسی ادبیات قطعنامه‌های شورای امنیت در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری ۸۵
- گفتار دوم: پایش آماری افعال به‌کارگرفته شده در نگارش قطعنامه‌های شورای امنیت ۸۸
- ۱- یادآوری بیانیه‌ها غیرالزام‌آور در ضمن عبارات آغازین قطعنامه‌های شورای امنیت ۹۷
- ۲- استقبال از تلاش‌های انجام شده، در خلال قطعنامه‌های شورای امنیت ۱۰۳
- ۳- شناسایی‌کنش‌های مطلوب به مثابهٔ القای ترجیحات رفتاری ۱۰۶
- ۴- تقویم هنجاری از طریق اشاره به گزارشات و نامه‌نگاری‌های درون سازمانی ۱۰۸
- ۵- بررسی تأثیر انضمام به قطعنامه‌های شورای امنیت در اثربخشی به اسناد نرم ۱۱۳
- گفتار سوم: مبانی رویکرد شورای امنیت به حقوق نرم ۱۱۴

- ۱- حقوق نرم، شورای امنیت و نظریه حکمرانی جهانی ۱۱۴
- ۲- استقرار نظام هنجاری شورای امنیت از طریق سازوکارهای تأمین صلح جهانی ۱۱۸
- ۳- هنجارسازی قطعنامه‌های شورای امنیت با به‌کارگیری ابهام سازنده .. ۱۲۰
- ۴- قوام یافتگی حقوق نرم از طریق قطعنامه‌های شورای امنیت با بررسی موردی قطعنامه‌های مربوط به تهدیدات تروریستی و میراث فرهنگی..... ۱۲۲

فصل سوم: حقوق نرم، شورای امنیت و ایران ۱۲۷

- گفتار اول: شورای امنیت و اعمال رژیم عدم اشاعه (NPT) در قبال ایران. ۱۲۹
- ۱- بررسی سازوکار اجرایی رژیم عدم اشاعه NPT و پادمان ۱۲۹
 - ۲- آیا عدم پایبندی به پادمان به معنی نقض ان پی تی است؟ ۱۳۲
 - ۳- آیا ایران با عدم گزارش به‌موقع اطلاعات تأسیسات هسته‌ای، تعهدات پادمانی خود را نقض کرده بود؟ ۱۳۶
 - ۴- پروتکل الحاقی و تفاوت‌های آن با پادمان ۱۴۰
 - ۵- ورود شورای امنیت به پرونده هسته‌ای در صورت احراز عدم پایبندی ۱۴۲
- گفتار دوم: شورای امنیت و اعمال رژیم‌های غیر الزام‌آور در قطعنامه‌های خود علیه ایران ۱۴۶
- ۱- سازوکار اجرایی گروه ویژه اقدام مالی (FATF) ۱۴۶
 - ۲- رژیم کنترل فناوری موشکی (MTCR) ۱۵۳
 - ۳- ماهیت حقوقی برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) ۱۵۵

منابع ۱۶۱

مقدمه

«طی قرون متمادی بنیان حقوقی روابط بین‌الملل براساس توافق بین دولت‌ها و توافق مذکور نیز بر مبنای رضایت دولت‌ها استوار گردیده بود و نظر بسیاری از حقوق‌دانان برجسته ناظر بر اهمیت حصول رضایت دولت‌ها بوده است. در اهمیت رضایت دولت‌ها برخی مبنای حقوق بین‌الملل را رضایت عمومی دولت‌ها قلمداد کرده‌اند و برخی دیگر تا بدانجا پیش رفته‌اند که ماهیت حقوقی یا غیرحقوقی یک پدیدار اجتماعی را عموماً بسته به تراضی دولت‌ها دانسته‌اند. اما در مقابل برخی از حقوق‌دانان نقش رضایت دولت‌ها را در شکل‌گیری حقوق بین‌الملل امری اساسی ندانسته و با ارائه نقطه نظرات خود در صدد کاهش قدرت و حاکمیت دولت‌ها هستند در همین این راستا برخی بر این باورند که در عصر چالش‌های روزافزون جهانی، اعتقاد به کسب رضایت (دولت‌ها) باید تعدیل شود و رضایت لزوماً منافع دولت‌ها را تأمین نمی‌کند.»^۱

اما به‌طور کل به نظر می‌رسد با توجه به اختلاف نظر گسترده‌ایی که در خصوص اصل رضایت دولت‌ها خصوصاً در دو دهه اخیر بروز کرده است و همچنین با توجه به تحولات بین‌المللی معاصر و چالش‌های فزاینده جامعه بین‌المللی نقش اراده دولت‌ها و به‌تبع آن رضایت آنها در شکل‌دهی قواعد حقوق بین‌الملل دچار

۱- رضا موسی‌زاده، «تحول مفهوم رضایت در پرتو رویه دولت‌ها با تأکید بر توافق ۲۰۱۵ پاریس» پژوهش‌های روابط بین‌الملل، بهار ۱۳۹۵ شماره ۱۹، ص ۲.

تحولاتی شده است به شکلی که می‌توان برای توافقات بین‌المللی، خارج از اراده صریح و تشریفاتی دولت‌ها جایگاهی را بر نظام آینده حقوق حاکم بر جامعه بین‌المللی بازشناخت.

برخی حقوق‌دانان معاصر بر این باور هستند که تحولات جامعه بین‌المللی و نیاز به پیشبرد اهداف مشترک بشریت و ضروریات کارکردی نظام حقوق بین‌الملل ایجاب می‌کند که موانع همکاری دولت‌ها بر طرف گردد و اساس حقوق بین‌الملل بر پایه‌هایی استوار گردد که سیر تکاملی تغییرات جهانی را مورد توجه قرار دهد؛ لذا در این راستا نظام حقوق بین‌الملل معاصر باید مبتنی بر هنجارسازی غیررضایی استوار گردد.

با این حال هرچند حقوق‌الملل هنوز از بند حاکمیت دولت‌ها و تجلی بیرونی آن یعنی اصل ارادی بودن و تراضی به قواعد حقوقی کاملاً رهایی نیافته است، اما تدبیر واقعیات زیست بین‌المللی معاصر، گویای آن است که حقوق بین‌الملل در گذر زمان به چنان رشدی رسیده است که همه کارکرد آن ضرورتاً منوط به تراضی دولت‌ها نیست، زیرا الزامات کارکردی سیستم ایجاب می‌کند که قواعد حقوقی فارغ از تراضی دولت‌ها تشخیص و تعیین پیدا کنند.

برای تدبیر الزامات همزیستی در عرصه بین‌الملل و همچنین قانونمندی‌سازی پدیده‌های نوظهور در حقوق بین‌الملل فعالان این عرصه با دو گزینه مواجه هستند: یا به ترتیبات کلی موجود در اسناد الزام‌آور قناعت کرده و تا حد امکان تلاش کنند آن قواعد را بر موضوعات جدید تطبیق دهند یا اینکه داوطلبانه به تدوین اصول راهنما و دستورالعمل‌های هنجاری موردنیاز برای پیشبرد امور بپردازند. چنانکه اولریش فاستن رات^۱ اشاره می‌کند سازوکار حقوق نرم می‌تواند شفافیت مفاهیم و یا هنجارسازی حقوقی را در قالب یک اجماع همه‌جانبه به سامان برساند^۲ حقوق نرم از جمله راه‌هایی هستند که تراضی را محدود می‌کند و امکان نظم حقوقی بین‌المللی را فراهم می‌آورد. تا جایی که حقوق بین‌الملل

1- Ulrich Fastenrath

2- Ulrich Fastenrath, Relative Normativity In International Law, EJIL (1993), at,314.

توانسته است به مرحله‌ای برسد که تراضی دولت‌ها را در بخش‌هایی محدود کند، به‌گونه‌ای که دیگر آنها نمی‌توانند در چنین سیستمی آزادانه اراده و خواست خود را به کار گیرند.

از طرفی ساختار ماهوی و نسبیتهای هنجاری در منابع حقوق بین‌الملل ما را به نوعی رویکرد طیفی^۱ رهنمون می‌دارد. شاید از آن هنگام که دیوان در رای معروف بارسلنا ترکشن سنگ‌بنای ترتب ماهوی را در حقوق بین‌الملل گذاشت و در آن تفاوت اساسی میان تعهدات یک دولت «در قبال همه»^۲ و تعهدات دو جانبه دولت‌ها را تبیین کرد^۳ زمینه را برای پذیرش نسبیت هنجاری قواعد حقوقی فراهم کرده است، نسبیتی که بسان یک طیف یک سر آن قواعد آمره و سر دیگر آن را حقوق نرم مشخص می‌شود.^۴

حقوق نرم بیش از آنکه یک هنجار حقوقی باشد یک هنجار اجتماعی است که در عین حال تعریف پذیرفته‌شده‌ایی برای آن وجود ندارد، اما در این میان و پس از پایش تعاریف متعدد از حقوق نرم به نظر می‌رسد می‌توان حقوق نرم را سند نوشته‌شده غیرالزام‌آوری دانست که دولت‌ها یا سازمان‌ها از طریق آن یک «ترجیح رفتاری»^۵ را تبیین می‌کنند. این ترجیح رفتاری که می‌تواند در اشکال مختلفی همچون اصول، هنجارها، استانداردها و یا هرگونه بیانیهای ارائه شود، دستیابی به همکاری‌های کارکردی میان دولت‌ها را تسهیل می‌کنند و جهت کلی حرکت را، با توجه به اهداف سیستم، به تابعانش نشان می‌دهد، بی‌آنکه وظیفه و تعهدی منجز برای آنها ایجاد کرده باشند. حقوق نرم می‌تواند به‌عنوان پل ارتباطی میان تشریفات مربوط به تهیه قوانین از یک سو و تأمین نیازهای هنجاری از سوی دیگر عمل کند. البته باید توجه داشت که دل بستن به حقوق

1- Spectrum approach

2- ErgaOmnes

3- ICJ reports 1970, "Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v. Spain)", para. 32.

4- Andrew T. Guzman, "International Soft Law", P. 4.

5- Behavioral preference

نرم، توسل به راهکاری شکننده برای قانونمند کردن پدیده‌های نوظهور است و تنها راه تبدیل این دست هنجارها به قواعدی قابل اتکا، امکان استناد به آنها در قالب حقوق عرفی و یا بهبود سطح الزام آوری این اسناد به معاهدات است. اما آنچه مسلم است آنکه این امر میتواند انتظارات مشروع کنشگران بین‌المللی برای تدبیر مسائل روزآمد، را به نحو رضایت‌بخشی برطرف کند.

در این بین اما بی‌تردید سازمان‌های بین‌المللی در تعدیل رضایت دولت‌ها نقش بی‌بدیلی را ایفا کرده‌اند از رهگذر تحولات بین‌المللی شصت سال اخیر، نهاد حاکمیت و رضایت دولت‌ها به تدریج در حال فرسایش و رنگ باختن است و به تدریج اراده جمعی جایگزین اراده فردی و انحصاری دولت‌ها می‌شود، به‌ویژه با ابزارهای هنجارسازی سازمان‌های بین‌المللی که آغازگر این رنسانس حقوقی^۱ محسوب می‌شوند. شورای امنیت سازمان ملل نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای بین‌المللی در مواردی وفق منشور ملل متحد بدون آنکه ذکری از توافق و یا تراضی دولت‌های عضو کند تصریح می‌دارد که شورای امنیت باید وجود هرگونه تهدید و نقض صلح و تجاوز را تعیین کند. این بدان معنا است که تعیین مصادیقی که ذیل صلاحیت شورای امنیت قرار می‌گیرد دیگر منوط به تراضی دولت‌های عضو سازمان ملل نیست.

ضمن آنکه مرور ادبیات قطعنامه‌های شورای امنیت نشان می‌دهد شورا در خلال قطعنامه‌های خود همواره از حقوق نرم نیز استفاده کرده است در به‌کارگیری از حقوق نرم ممکن است بخشی از محتوای سند توصیه و بخش دیگر آن الزام‌آور باشد به عبارت دیگر شاید نتوان قطعنامه‌های شورای امنیت را از نظر ماهوی ذیل حقوق نرم مطرح کرد، اما نرمی بخشی از اسناد قطعنامه‌ها را می‌توان به‌عنوان الگوی نرم در حقوق بین‌الملل مطمح نظر قرار داد. شورای امنیت همچنین می‌تواند در بافتار قطعنامه‌های خود مقدماتی را برای ایجاد رویه و یک جریان حقوقی تمهید کنند یا بدون اینکه به تعهداتی الزام‌آور تبدیل

شده باشند به ایجاد هنجارها و دلایل شبه‌حقوقی منتج گردند. این مفاهیم در واقع همان حقوق نرم هستند که از معاهداتی با قالب‌های سخت متمایز شده‌اند. حقوق سخت الزام‌آور هستند در حالی که وضعیت حقوق نرم از این حیث در جایگاهی بسیار ضعیف و مبهم قرار دارد. این به آن معناست که ما گاهی با سند نرم مواجه هستیم و گاهی با محتوای نرم، در این راستا برخی معتقدند می‌شود در خلال سخت‌ترین نظامات حقوق بین‌الملل همچون قطعنامه‌های شورای امنیت، محتوایی نرم با الزام‌آوری مضیق^۱ را گنجانند.

رضا موسی‌زاده

۱۳۹۸

1- Narrow-ness binding

پیشگفتار

ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری که صد سال از تصویب آن می‌گذرد به‌عنوان مهم‌ترین متنی که به بیان منابع حقوق بین‌الملل پرداخته است صرفاً ساخته دکتترین است که کمتر مورد مخالفت دولت‌ها قرار گرفته و در مقام احصاء و بر شمردن منابع حقوق بین‌الملل از جمله معاهدات، عرف، اصول کلی حقوقی و تصمیمات قضایی و آموزه‌های شایسته‌ترین حقوق‌دانان ملل گوناگون است که هیچ‌گونه جنبه انحصاری و محدودی ندارد. به نظر می‌رسد اتکای بیش از اندازه به ماده ۳۸ تکافوی نیازهای رو به گسترش جهان امروز را نمی‌کند اگر اقتضائات کارکردی حقوق را بپذیریم موضوع آن نیست که مناسبات بین‌المللی به‌ضرورت در قالب منابع سنتی حق بین‌الملل تدبیر شوند، بلکه مهم آن است که اقتدار در عرصه عمومی اعمال شود به‌گونه‌ایی که بر تغییر رفتاری تابعان منجر گردد.

یکی از ابزارهای مهم برای تدبیر زیست بین‌المللی و هنجارسازی، حقوق نرم است که در دهه‌های اخیر با اقبال گسترده‌ایی از سوی جامعه جهانی مواجه شده است. از طرفی به نظر می‌رسد جهان در حال گذار از قواعد متصلب حقوقی است و شورای امنیت به‌عنوان یکی از عناصر موثر در زمامداری جهانی به‌خوبی پی به این واقعیت برده است. شاید بتوان گفت شورای امنیت به‌سبب سرشت حقوقی و سیاسی خود همواره به دنبال به‌کارگیری مزیت‌های حقوقی در هنجارمند

کردن تصمیمات سیاسی خود بوده است. از ابزارهایی که در این مسیر می تواند مؤثر واقع شود حقوق نرم است که به لحاظ آستانه مفهومی بالاتر از تصمیمات سیاسی و در عین حال واجد شمایی حقوقی است. نگارنده بر این باور است برای شناخت ضرایف و دقایق این پدیدار نوظهور، ناگزیر می بایست مطالعات پژوهشی فراوانی صورت گیرد.

از طرفی وقتی دولت‌ها نمی‌توانند به پیامد تعهدات حقوقی برای تدبیر یک موضوع بین‌المللی ملتزم شوند و تن دادن به سازوکارهای متصلب حقوقی را بر نمی‌تابند یا اینکه موضوعی بین‌المللی به خاطر تعارض با منافع جمعی دولت‌ها پشت دیوار بلند تراضی و اراده جمعی متوقف می‌شود تنها راهکار میانه که می‌تواند راهگشا باشد حقوق نرم است. حقوق نرم هم وجهی از پایبندی به مقررات یک توافق نرم را دارد و هم اطمینان‌خاطری است برای اینکه ناپایبندی به آن تبعات نقض یک قاعده‌ی منجز حقوقی را در پی نخواهد داشت. به عبارت دیگر ماهیت غیرالزام‌آور این اسناد به دولت‌هایی که رضایت آنها در فرایند مذاکرات تامین نشده این اطمینان را می‌دهد که می‌توانند در تدبیر یک مشکل بین‌المللی مشارکت کنند، بی‌آنکه تعهد حقوقی الزام‌آوری را پذیرفته باشند. افزون بر این حقوق نرم دارای مزایای کاربردی دیگری نیز هست که شورای امنیت ملل متحد را بر آن می‌سازد تا اهداف خود را با به کار بستن آن محقق کند.

چنان‌که پیشتر اشاره شد تا زمان نگارش این سطور هیچ منبع مستقلی در خصوص ارتباط حقوق نرم و شورای امنیت تدوین نشده است و نگارنده با ضرس قاطع و بعد از ساعت‌ها جست‌وجو در میان منابع انگلیسی و فارسی اعم از مقالات و ژورنال‌های بین‌المللی، کتاب‌های و سایر گزارشات و اسناد بین‌المللی این موضوع را تأیید می‌نماید. با این حال نگارنده برای پیشبرد بحث ناگزیر از استفاده از منابع مرتبط و بررسی ادبیات قطعنامه‌های شورای امنیت بوده است تا مطالب موید فرضیه خود را در خلال عبارت پردازی‌های اسناد مربوط به شورای امنیت صورت‌بندی نماید.

چنان‌که وصف آن گذشت نگارنده پس از جست‌وجوی کتاب‌ها، مقالات و اسناد بین‌المللی هیچ منبع مستقلی که به‌طور خاص رابطه‌ی حقوق نرم با شورای امنیت را مورد بررسی قرار داده باشد نیافته است. در این خصوص به نظر میرسد دلیل این موضوع نفس عنوان این کتاب باشد. حقوق نرم و شورای امنیت اساساً مبتنی بر دو خاستگاه متفاوت هستند. ماهیت حقوق نرم را عدم الزام آوری حقوقی تشکیل می‌دهد حال آنکه ابتدای شورای امنیت طبق منشور سازمان ملل متحد الزام‌آوری است. نگارنده بر این باور است مواجهه با چنین چالشی خود موجد نوآوری و خلاقیت است.

نگارنده در فصل اول کتاب علاوه بر طرح مباحث نظری به فراخور مباحث طرح شده وارد مصادیق نیز شده و ضمن پرداختن به یک رویه حقوقی، نظریه موجود را تبیین کرده است. در همین راستا می‌توان به سازوکارهای اجرایی کنفرانس آب‌وهوایی پاریس اشاره کرد که ذیل مبحث مربوط به گسست الزام از پایبندی، نظریه مذکور را تا حد قابل قبولی تبیین کرده است. چینش و نحوه پردازش مباحث نظری در فصل اول کتاب نیز یکی دیگر از ابتکارات نگارنده است که در بعضی موارد با تولید ادبیات و عبارت‌پردازی مباحث نوینی را در این عرصه تدوین کرده است.

پایش آماری افعال و الفاظ به‌کارگرفته شده در قطعنامه‌های شورای امنیت نیز یکی دیگر از نوآوری‌های این کتاب است. نگارنده با استفاده از نرم افزار fileseek بیش از ۱۰۵۶ قطعنامه شورای امنیت را از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۱۷ بررسی کرده است. حاصل این مطالعه آماری که بیش از یک ماه به طول انجامیده است در فصل دوم کتاب و ذیل عنوان «بررسی ادبیات قطعنامه‌های شورای امنیت» گردآوری شده و فراوانی هر کدام از افعال با ذکر دقیق تعداد و درصد به‌صورت نموداری احصاء شده و علاوه بر آن به شکلی مقتضی نحوه استفاده هر کدام از افعال، ضمن واکاوی تمامی قطعنامه‌های مذکور، مشخص گردیده است. در فصل سوم نیز نگارنده با بررسی آن دسته از قطعنامه‌های شورای امنیت که در خصوص جمهوری اسلامی ایران و ناظر به اعمال قواعد نرم

بوده‌اند، در واقع درصدد نشان دادن ثمره علمی این کتاب بوده و وجوه مختلف آن را بازخوانی کرده است. پرسش‌هایی که در این کتاب سعی شده تا به آنها پاسخ داده شود به شرح زیر است:

شورای امنیت تا چه حد می‌تواند از راهبرد نوین حقوق نرم از جمله هنجارسازی عرفی و رویه‌ایی در تحقق اهداف خود بهره‌گیرد؟ آیا اصل رضایت دولت در حقوق بین‌الملل دستخوش تحول مفهومی شده است؟

حقوق نرم چیست و چه ابعاد کارکردی بر آن مترتب است؟ آیا حقوق نرم واجد الزام‌آوری حقوقی است؟ آیا بر اساس منشور ملل متحد، شورای امنیت می‌تواند در قطعنامه‌های خود به موارد غیر الزام‌آور اشاره کند؟ آیا عبارت‌پردازی قطعنامه‌های شورای امنیت می‌تواند موجب ویژگی‌های نرم باشد؟

آیا استفاده از حقوق نرم توسط شورای امنیت برای کشورهای جهان سوم که تابعان به نسبت منفعل‌تری در حقوق بین‌الملل هستند دارای مزیت است یا خیر؟

مواردی که جمهوری اسلامی ایران به‌طور خاص از جنبه‌های نرم قطعنامه‌های شورای امنیت متأثر شده است چگونه هستند؟

این کتاب در سه فصل مجزی تدوین شده است که در فصل اول با انتخاب تبیین تحول مفهومی اصل رضایت به عنوان مدخل ورود به بحث سعی در پدیدار شناسی و ماهیت سنجی حقوق نرم دارد و مزیت‌های کارکردی آن را به تفصیل بیان می‌کند. در این فصل ابتدا به تحول مفهوم رضایت در حقوق بین‌الملل (رضایت به الزامات سیستماتیک) پرداخته شده و سپس ماهیت حقوق نرم مورد بررسی نظری قرار گرفته است سپس با تبیین جایگاه حقوق نرم در منابع حقوق بین‌الملل رابطه آن با حقوق سخت و اکاوی شده است.

در ادامه به عوامل موثر در گزینش حقوق نرم پرداخته شده است و به پنج مورد از مزیت‌های کارکردی آن به صورت تفصیلی پرداخته شده که شامل حقوق نرم به یک ابزار هماهنگ‌کننده بین‌المللی، نظریه اجتناب از نقض احتمالی قوانین الزام‌آور، به رأی‌گذاری مطلوبیت قوانین، مشترکات بنیادین حقوق بین‌الملل و همچنین ایجاد ابهام سازنده بوده است. در ادامه با تفکیک بین الزام و پایبندی حقوقی با مطالعه موردی اساسنامه کنفرانس اقلیمی پاریس گسست بین الزام‌آوری حقوقی و مفهوم پایبندی بیان شده است و در نهایت با تحلیل حقوق نرم در نظام مسئولیت بین‌المللی ضمانت‌های اجرایی مترتب بر آن مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل دوم ابتدا با طرح مباحثی در خصوص نحوه تفسیر قطعنامه‌های شورای امنیت به مرور ادبیات و شیوه عبارت‌پردازی قطعنامه‌های شورای امنیت پرداخته شده و در پایان به کارکردهای هنجارساز شورای امنیت پرداخته‌ایم. در این فصل ابتدا با پدیدارشناسی قطعنامه‌های شورای امنیت شروع شده و در ادامه به دامنه شمول مواد ۲۴ و ۲۵ منشور و بررسی الزام یا غیر الزام‌آوری قطعنامه‌های شورای امنیت پرداخته شده است. در ادامه با بررسی ادبیات قطعنامه‌های شورای امنیت در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری به بررسی آرا و نظریات دیوان در این خصوص پرداخته شده است.

نگارنده با طرح موضوع ابتکاری پایش آماری افعال به کار گرفته شده در نگارش قطعنامه‌های شورای امنیت وارد تحلیل ادبیات حاکم بر قطعنامه‌های شورای امنیت می‌شود و با مرور بیش از هزار قطعنامه از سال ۲۰۰۰ به بعد، برآوردهای تحلیلی خود را تحت عناوین مختلف به تفصیل بیان میکند. در انتهای فصل دوم با پردازش موضوع حقوق نرم، شورای امنیت و نظریه‌ی حکمرانی جهانی به ابعاد مختلف این نظریه اشاره می‌کند و استقرار نظام هنجاری شورای امنیت از طریق سازوکارهای تأمین صلح جهانی را تبیین می‌نماید

در فصل سوم نیز نگارنده با استفاده از قطعنامه‌های شورای امنیت در خصوص جمهوری اسلامی ایران به ابعاد نرم این قطعنامه‌ها اشاره می‌کند و در چهار

موضوع سازوکار اجرایی رژیم عدم اشاعه NPT و پادمان، کارگروه مشترک اقدام مالی، رژیم کنترل موشکی و برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) مواردی را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد.



فصل اول
پدیدارشناسی
حقوق نرم

گفتار اول: مفهوم حقوق نرم و روند شکل‌گیری آن در حقوق بین‌الملل

۱- تحول مفهوم رضایت در حقوق بین‌الملل، رضایت به الزامات سیستماتیک

طی قرون متمادی بنیان حقوقی روابط بین‌الملل بر اساس توافق بین دولت‌ها و توافق مذکور نیز بر مبنای رضایت دولت‌ها استوار گردیده بود و نظر بسیاری از حقوق‌دانان برجسته ناظر بر اهمیت حصول رضایت دولت‌ها بوده است. در اهمیت رضایت دولت‌ها برخی مبنای حقوق بین‌الملل را رضایت عمومی دولت‌ها قلمداد کرده‌اند و برخی دیگر تا بدان جا پیش رفته‌اند که ماهیت حقوقی یا غیرحقوقی یک پدیدار اجتماعی را عموماً بسته به تراضی دولت‌ها دانسته‌اند، اصلی که دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی آن را در قضیه معروف لوتوس تأیید کرد.^۱ رضایت به قواعد حقوقی و تراضی بر سر آن عالی‌ترین تجلی اصل ارادی بودن حقوق بین‌الملل است. تا جایی که قصد و نیت و تراضی طرف‌های یک سند را مهم‌ترین شاخص برای تعیین ماهیت حقوقی آن دانسته‌اند.

«اما در مقابل برخی از حقوق‌دانان نقش رضایت دولت‌ها را در شکل‌گیری حقوق بین‌الملل امری اساسی ندانسته و با ارائه نظرات خود در صدد کاهش

1- Lotus (France v. Turkey), 1927 P.C.I.J. (series A) No. 10, at 18 (Sept. 7)

قدرت و حاکمیت دولت‌ها هستند. در این راستا برخی بر این نظرند که در عصر چالش‌های روزافزون جهانی، اعتقاد به کسب رضایت (دولت‌ها) باید تعدیل شود و رضایت لزوماً منافع دولت‌ها را تأمین نمی‌کند؛ زیرا این مفهوم برخاسته از مفهوم تساوی حاکمیت‌ها است که در عمل یک مانع جدی برای همکاری مؤثر دولت‌ها در جهانی که نگرانی‌ها و اولویت‌های متفاوت گسترده وجود دارد محسوب می‌گردد و برخی دیگر با تأکید بر «عصر کالاهای عمومی جهانی»^۱ سخن از زوال رضایت^۲ به میان آورده‌اند. با توجه به اختلاف‌نظر گسترده‌ای که در خصوص اصل رضایت دولت‌ها خصوصاً در دو دهه اخیر بروز کرده است، و همچنین با توجه به تحولات بین‌المللی معاصر و چالش‌های فزاینده جامعه بین‌المللی نقش اراده دولت‌ها و به تبع آن رضایت آنها در شکل‌دهی قواعد حقوق بین‌الملل دچار تحولاتی شده است به شکلی که می‌توان برای توافقات بین‌المللی، خارج از اراده صریح و تشریفاتی دولت‌ها جایگاهی را بر نظام آینده حقوق حاکم بر جامعه بین‌المللی بازشناخت.^۳

برخی حقوق‌دانان معاصر خصوصاً حقوق‌دانان ایالات متحده مانند اندرو گوزمن، آنتونی داماتو، دیوید کندی، آشلی دیکز، سامانتا بسون، بر این باورند که تحولات جامعه بین‌المللی و نیاز به پیشبرد اهداف مشترک بشریت و ضروریات کارکردی نظام حقوق بین‌الملل ایجاب می‌کند که موانع همکاری دولت‌ها بر طرف گردد و اساس حقوق بین‌الملل بر پایه‌هایی استوار گردد که سیر تکاملی تغییرات جهانی را مورد توجه قرار دهد لذا در این راستا نظام حقوق بین‌الملل معاصر باید مبتنی بر هنجارسازی غیر رضایی باشد این رویکرد موجب می‌گردد تا مشکل اصلی حصول توافق بین‌المللی که همانا کسب رضایت دولت‌ها است بر طرف گردد.^۴

1- The Age of Gloobal Public Goods

2- Decay of consent

۳. رضا موسی‌زاده، «تحول مفهوم رضایت در پرتو رویه دولت‌ها با تأکید بر توافق ۲۰۱۵ پاریس» پژوهش‌های روابط بین‌الملل، بهار ۱۳۹۵ شماره ۱۹، ص ۲

۴- ایضا، ص ۸.

بر این اساس هرچند که دولت‌ها همچنان مهم‌ترین واضعان قواعد حقوقی بین‌المللی هستند و تراضی آنها نقش مهمی در این کار دارد، اما با تشکیل اجتماع دولت‌ها آنها ضرورتاً وارد فرایندی سیستماتیک می‌شوند که دیگر توان کنترل کامل آن را ندارند. زیرا قاعده حقوقی در درون نظامی شکل می‌گیرد که اگر چه نقش تراضی و خواست دولت‌ها را شناسایی کرده است، اما در همان حال الزامات کارکردی سیستم ایجاد می‌کند که تعیین و تشخیص قاعده حقوقی را در برابر خواست و نیت دولت‌ها تضمین کند؛ چرا که اگر چنین نباشد حقوق بین‌الملل مجموعه‌ای پراکنده از توافقات خواهد بود که سرنوشت آن به خواست و اراده دولت بسته است. در این خصوص آنتونی داماتو در مقاله خود از قول پروفیسور جف می‌گوید: یکی از نویسندگانی که بر روی تمایزات رضایت جمعی^۱ و رضایت خاص^۲ تمرکز کرده بود پروفیسور جف است، او معتقد است که رضایت به حقوق بین‌الملل در واقع رضایت به سیستم است و شامل رضایت به هریک از روابط در حقوق بین‌الملل نمی‌شود.^۳ بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که اقتضانات سیستمیک، رضایت دولت‌ها را محدود و ضابطه‌مند کرده است، شکل‌گیری یک جامعه بین‌المللی به نهادهای قضایی این امکان را می‌دهد که به مجموعه قواعد حقوقی نگاهی هدفمند و هماهنگ داشته باشد و آن را با توجه به اصول و اهداف سیستم تفسیر نمایند.

با این حال هرچند حقوق بین‌الملل هنوز از بند حاکمیت دولت‌ها و تجلی بیرونی آن یعنی اصل ارادی بودن و تراضی به قواعد حقوقی کاملاً رهایی نیافته است، اما تدبیر واقعیات زیست بین‌المللی معاصر، گویای آن است که اگر چه تراضی دولت‌ها بخش عمده‌ای از قواعد حقوق بین‌الملل را به‌ویژه در حوزه حقوق معاهدات شکل داده، اما حقوق بین‌الملل در گذر زمان و در پاسخ به

1- aggregate consent

2- particular consent

3- Anthony D'Amato, «Consent, Estoppel, and Reasonableness: Three Challenges to Universal International Law», Northwestern University School of Law, (2010), p. 2.